

## پیش‌خبران

## در شناخت زندگی و زمانه یادگار امام

## برای او که یار وفادار انقلاب بود

■ **محمد رضا کاتبی**



کارنامه سیاسی یادگار گرامی امام، زنده‌یاد حجت الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی تاحدودی فراوان نزدیکی او به رهبر کبیر انقلاب اسلامی

قرار گرفته است.اثری که هم اینک در باب آن سخن می‌رود، در زمره معدود پژوهش‌هایی است که سعی دارد پیشینه او را به شکلی مستقل بازخواند و آن را مورد ارزیابی قرار دهد.این تحقیق توسط جواد کامور پخشایش انجام شده و انتشارات سوره مهر، آن را در زمره مجموعه «شخصیت‌های مانا»ی خویش نشر داده است. مؤلف در دیباچه خویش بر این اثر چنین آورده است:

«زندگی سیداحمد خمینی را می‌توان از دو دیدگاه متفاوت تحلیل کرد. اول آنکه اگر وی فرزندان امام خمینی نبود و در مرکز ثقل مبارزه (بیست امام) قرار نمی‌گرفت، به همین اندازه به شهرت و اعتبار می‌رسید؟ از این زاویه،مقایسه‌فعالیت‌های سیاسی وی با دیگر روحانیون هم‌سنگ او نشان می‌دهد انتسابش به امام و شهرتش در بین مبارزان تا چه حد فعالیت‌های سیاسی او را-اگر چه اندک- تأثیرگذار جلوه داده است. دوم آنکه اگر سیداحمد فرزند امام خمینی نبود و از حساسیت‌های عوامل امنیتی به دور می‌ماند و فعالیت‌های سیاسی‌اش تا این حد زیر ذربین مأموران ساواک قرار نمی‌گرفت و مانند هم‌مسلمانان خود مبارزات سیاسی‌اش را ادامه می‌داد و در سال‌های بعد هم به دلیل همراهی همیشگی‌اش با امام، تالش‌های او در برهه‌های مختلف در سایه نمی‌ماند، شهرت و اعتبارش بیش از محبوبیت و شهرت کنونی‌اش نبود؟ و نقش او بر نگرش نمی‌شود؟ حجت‌الاسلاموالمسلمین حاج سیداحمد خمینی در



۱۲همن ۱۳۵۷، سالن فرودگاه مهرآباد تهران، حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سیداحمد خمینی کنار امام خمینی

خانه‌ای پرورش یافت که بعدها مرکز ثقل فعالیت‌های سیاسی علیه رژیم پهلوی شد.او از دوره نوجوانی و جوانی، با الفبای فعالیت سیاسی و شخصیت‌های مبارز آشنا شد.وشاگردذهنی‌اش،بر همان مینا شکل گرفت.وی در دوره جوانی، فعالیت‌های سیاسی‌اش را در غیاب پدر آغاز کرد.فعالیت سیاسی او در دوران دوری از پدرش، بیش از یک دهه به طول انجامید، تا جایی که جزو شخصیت‌های اصلی کانون مبارزه(بیت امام) به شماره می‌رفت.فعالیت‌های سیاسی سیداحمد در عرصه سیاست، از زمانی بود که از نظر سنی، به مر حله یختگی رسیده و به سبب حضور در حلقه در سر پدر، برادر و استادان حوزه شگله قم، به لباس روحانیت ملیس شده بود.او به دلیل آنکه فرزند امام بود، جایگاه خاصی در جامعه یافت و در همه سال‌هایی که امام در تبعید نجف به سر می‌برد، بیت امام را-البته در کنار شخصیت‌هایی مانند آیت‌الله سید مرتضی پسنده‌ی‌ده،حجت‌الاسلام شیخ حسن صائعی و عده‌ای دیگر- اداره می‌کرد و متعشل مبارزه را در قم روشن نگه می‌داشت.حضور شایسته و صادقانه او در بیت امام،این اطمینان را به خود امام هم داده بود که هر هائینه واعلامیه‌ای که صادر کند، پس از ارسال به ایران، بلافاصله و بی‌کم‌وکاست در اختیار رهبران مبارزه قرار خواهد گرفت. نهضت اسلامی این جریان بی‌واسطه و مطمئن را مدیون سیداحمد خمینی است.او در سال‌های اوج نهضت اسلامی، با سفر به نجف و استقرار در بیت امام، نقش رابط بین ایشان و روحانیت و رهبران مبارزه را بر نرنگت کرد و پس از فوت برادرش آیت‌الله سید مصطفی خمینی، مسئولیت اداره بیت امام در نجف و برقراری ارتباط با داخل و خارج کشور را بر عهده گرفت.هنگامی که عرصه برای حضور امام خمینی در عراق تنگ شد، همراه ایشان به فرانسه رفت.حدود چهارماه در دهکده نوفل‌لوشاتو مستقر شد و در آنجا هم اداره امور را بر عهده گرفت.سیداحمد همراه با امام به ایران آمد و با حضور در کنار ایشان، در بسیاری از رویدادهای سال‌های اول پیروزی انقلاب اسلامی نقش مؤثری داشت.او در آن دوران، رابط امین بین امام و مسئولان بود.مسئولیت مهم ایشان در آن دوران، حفظ امنیت و سلامت امام بود.با رحلت امام، سیداحمد خمینی از سیاست کناره گرفت و به ریاضت و معنویات و اداره امور حرم امام مشغول شد تا سرانجام در ۲۶ اسفند ۱۳۷۲، چشم از جهان فروبست…»



### «امام خمینی به مثابه درآمیزنده عرفان و جهاد» در گفت‌وشنود با زنده‌یاد آیت‌الله نصرالله شاه‌آبادی

## امام فرمود: اگر قرار به کشته شدن است

## می‌خواهم با مردم کشته شوم!

■ **سیدحسین کشفی**

در آمیختگی عرفان امام خمینی با سیاست‌ورزی آن یزرگ، از مدخل‌های شاخص در شناخت شخصیت رهبر فقید انقلاب اسلامی به شمار می‌رود. در گفت‌وشنود منتشر نشده ذیل، زنده‌یاد آیت‌الله حاج شیخ نصرالله شاه‌آبادی، فرزند آیت‌الله‌العظمی حاج میرزا محمدعلی شاه‌آبادی استاد عرفان امام، در تحلیل این مقوله سخن گفته است.امید آنکه تاریخ پژوهان و عموم علاقه‌مندان را مقید و مقبول آید.

■ ■ ■

**امام خمینی همواره از استادشان مرحوم آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ محمدعلی شاه‌آبادی با پسوند «روحی فداه» یاد می‌کردند که نشان از ارتباط بسیار صمیمانه ایشان با پدر بزرگوار تان داشت. مناسب است در آغاز این گفت‌وشنود، قدری درباره مختصات این ارتباط بگویید.**

بسم‌الله الرحمن الرحیم. الحمدلله رب‌العالمین و صلی‌الله علی سیدنا و نبینا محمد(ص) و علی آل بیته الطیبین الطاهرین و لعنته الله علی اعدائهم اجمعین. به نظر بنده مرحوم امام، ثمره کامله مرحوم والد (رضوان الله علیهما) و هر دو از اولیای خدا و بزرگانی بودند که می‌توانند سرمشق زندگی ما قرار بگیرند، حالا ما تا چه حد از تعلیمات آنها بهره ببریم، با خودمان است‌ا هر دو دنباله‌رویی انبیا و اولیا بودند و در تربیت بندگان خدا در جهت خواسته‌های حضرت حق، حتی لحظه‌ای کوتاهی نکردند.

مراحل مختلف زندگی مرحوم والد،اعم از تحصیلات، تدریس و امتاالم در منابع مختلف به تفصیل نقل شده است. آنچه کمتر به آن پرداخته شده، جنبه معنویت ایشان و حضرت امام است و اهتمام به اینکه هم خود و هم دیگران را متوجه هدف خلقت کنند. باید به این مهم دقت کرد که خداوند متعال در بی خلقت انسان و قرار دادن او در جایگاه اشرف مخلوقات و خلیفه خود، چه هدف و مقصودی داشته است؟ این بزرگواران با تبعیت از انبیای عظام، به خصوص خاتم‌الانبیاء(ص) و امیرالمؤمنین(ع) آن هدف واقعی را درک و تا آنجا که در توان داشتند، در این مسیر حرکت کردند و واجد بسیاری از امور شدند که حاضر به اشکار شدن آنها و نقل و انتقالشان از خود به دیگران نبودند!



**حضرت امام در نوفل لوشاتو به من فرمودند: «مالیم با مردم باشیم و هر بلایی که بر سر آنها می‌آید، بر سر من هم بیاید. اگر قرار به کشته شدن است، می‌خواهم که من هم کشته شوم! من در اینجا ناراحتم و می‌خواهم هر چه زودتر به ایران بروم…» من برای ایشان، قضیه‌ای از تدفین شهدای ۱۷ شهریور در بهشت‌زهارا تعریف کردم که گریه کردند!**

## عاریخ

تاریخ ۸۸۴۹۸۴۳۷



### علاوه بر علم عرفان، امام خمینی در اندیشه مبارزاتی تا چه حد متأثر از آیت‌الله شاه‌آبادی بودند؟

جهاد موضوعی است که اسلام بر آن تأکید بسیار دارد. حضرت فاطمه زهرا(س) در خطبه‌شان می‌فرمایند: خداوند جهاد را برای قوام اسلام قرار داده است، لذا چنانچه مسلمین بخواهند آبرو، جایگاه و قدرت داشته باشند، باید به این حکم الهی عمل کنند و در مقابل کار بایستند. بدون جهاد، به هیچ جا نخواهیم رسید. ملت ایران زمانی به عزت، استقلال و آبرو رسید که مقابل دشمنان ایستاد و نتیجه این استقامت و مقاومت را به رهبری حضرت امام(ره) به عینه دیدیم و عزت و شرف ما چندین برابر و دشمنان اسلام، هر روز بدبخت‌تر و حقیرتر شدند.

مرحوم والد در مسئله جهاد مبارزه با رژیم پهلوی، شیداروود داشتند. امام می‌فرمودند: «این مرد با آنکه شدیداً عارف بود و عرفا و اعدا تا باید سکوت اختیار می‌کرد، اما در عین عرفان، مجاهدی بزرگ بود. در عین اینکه فقیه، اصولی و فیلسوفی بود، مبارز هم بود…» چرا؟ چون اگر جهاد نباشد، شرف اسلامی و عزت مسلمانان از بین می‌رود. درست است که این مقاومت‌ها و ایستادگی ما، این جهاد و تحریم‌ها را بر ما تحمیل کرد و اداره زندگی برای مردم دشوارتر شد، اما به لطف خدا عزت ما بیشتر شده و دیگر آمریکا و دیگر کشورها نمی‌توانند برای سرنوشت ما تصمیم‌گیری کنند. با این مقاومت ما بود که امام فریاد زد: «امریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند» و با گرفتن لانه جاسوسی، ایهت امریکا شکست. پیش از آن کسی جرئت نمی‌کرد در برابر امریکای درنده‌خو و چنانکار با اعتماد، اما امام این ایهت پوشالی را شکست و امریکا را از آن عظمت خیالی که در چشم مردم داشت، انداخت و همه مردم دنیا فهمیدند با امریکا هم می‌شود جنگید.

امام همیشه می‌فرمود: ابرقدرت‌ها در برابر اسلام، ذلیل خواهند شد و امروز می‌بینیم که عظمت سرنوشت آنها در حال فرورختن است. قیام حضرت امام، قدرت تشیع و مرجعیت را به دنیا معرفی کرد و دل‌های پاک و ذهن‌های آزاد جهانم‌شدند که با پاپ و امثالهم، ماهیت اسلام و تشیع، با انقلاب اسلامی و رهبری هوشمندانه حضرت امام، برای دنیا روشن شده است. البته این موضوع، دشمنان را دارد و دشمنان بیکار نمی‌نشینند. ابتدا جنگ را تحمیل کردند و سپس با تشدید تحریم‌هایی که از همان ابتدای انقلاب وجود داشته است، تلاش می‌کنند که کمر مردم ایران را بشکنند. دشمنان جمع دشمن ما را رها نمی‌کند و باید حواسمان جمع باشد که به قول شاعر: «دشمن نتوان حقیر و بیچاره شمرده». درست است که منافقین خوار و ذلیل‌شدند، اما خرابکاری را ساد‌های استوار بزرگ‌ترین ساختمان‌های می‌شود در ساعتی تخریب کرد، اما بنای یک اتاقک ساده، ساعت‌ها و بلکه روزها وقت و زمان می‌برد. دشمنان خارجی و داخلی برای تخریب این کشور و انقلاب، از هیچ کاری فروگذار نکردند و نمی‌کنند. لذا ما باید همواره آماده جهاد باشیم و دلیل تأکید قرآن بر

جهاد نیز همین است که شرف و بقای مسلمانان بسته به جهاد است. خداوند درجات حضرت امام را که عالی است، متعالی بگرداند که این اصل مهم را در میان مردم مسلمان احیا کرد. بیانات امام، هستی بر خاسته از قرآن و فرمایشات معصومین(ع) است و لذا جوادانه و تحققی‌یافتنی هستند. ما به چشم خود دیدیم که شوروی از هم پاشید و امریکا هم دارد متلاشی می‌شود، اما اسلام هر روز با عظمت‌تر و سربلندتر خواهد شد.

**جنابعالی در دوران اقامت امام خمینی در نوفل لوشاتو نیز به دیدار ایشان رفتید. از حاشیه و متن این سفر چه خاطراتی دارید؟**

الحمدلله رب‌العالمین ما در این زمینه هم از وجودذی‌جود حضرت امام بهره بسیار بردیم. زمانی که عراق به ایشان تکلیف کرد که کشور را ترک کنند و ایشان هم تصمیم گرفتند به کویت بروند و کویت هم ایشان را نپذیرفت، اقدام است

می‌داد و موقعی هم که می‌خواست جوابی بدهد، حرف‌هایی را که از بزرگان شنیده بود، نقل می‌کرد. برای همین حرف‌ها و شخصیتش برای همه جذاب بود و آنها را جلب می‌کرد، ما هم همیشه از طرز صحبت کردنش لذت می‌بردیم…» این همان موضوعی است که عرض کردم وقتی خداوند اراده می‌فرماید موجودی را پرورش بدهد، تمام اسبابش را فراهم می‌کند، قرار بود که حضرت امام، دین را با جهادش از دست دشمنان نجات بدهد که توفیق حاصل کرد و آن را تحقق داد.

**علاوه بر علم عرفان، امام خمینی در اندیشه مبارزاتی تا چه حد متأثر از آیت‌الله شاه‌آبادی بودند؟**

جهاد موضوعی است که اسلام بر آن تأکید بسیار دارد. حضرت فاطمه زهرا(س) در خطبه‌شان می‌فرمایند: خداوند جهاد را برای قوام اسلام قرار داده است، لذا چنانچه مسلمین بخواهند آبرو، جایگاه و قدرت داشته باشند، باید به این حکم الهی عمل کنند و در مقابل کار بایستند. بدون جهاد، به هیچ جا نخواهیم رسید. ملت ایران زمانی به عزت، استقلال و آبرو رسید که مقابل دشمنان ایستاد و نتیجه این استقامت و مقاومت را به رهبری حضرت امام(ره) به عینه دیدیم و عزت و شرف ما چندین برابر و دشمنان اسلام، هر روز بدبخت‌تر و حقیرتر شدند.

مرحوم والد در مسئله جهاد مبارزه با رژیم پهلوی، شیداروود داشتند. امام می‌فرمودند: «این مرد با آنکه شدیداً عارف بود و عرفا و اعدا تا باید سکوت اختیار می‌کرد، اما در عین عرفان، مجاهدی بزرگ بود. در عین اینکه فقیه، اصولی و فیلسوفی بود، مبارز هم بود…» چرا؟ چون اگر جهاد نباشد، شرف اسلامی و عزت مسلمانان از بین می‌رود. درست است که این مقاومت‌ها و ایستادگی ما، این جهاد و تحریم‌ها را بر ما تحمیل کرد و اداره زندگی برای مردم دشوارتر شد، اما به لطف خدا عزت ما بیشتر شده و دیگر آمریکا و دیگر کشورها نمی‌توانند برای سرنوشت ما تصمیم‌گیری کنند. با این مقاومت ما بود که امام فریاد زد: «امریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند» و با گرفتن لانه جاسوسی، ایهت امریکا شکست. پیش از آن کسی جرئت نمی‌کرد در برابر امریکای درنده‌خو و چنانکار با اعتماد، اما امام این ایهت پوشالی را شکست و امریکا را از آن عظمت خیالی که در چشم مردم داشت، انداخت و همه مردم دنیا فهمیدند با امریکا هم می‌شود جنگید.

## روزنامه جوان | شماره ۶۵۰۰ | جوان

که با کمال قدرت گفتند: «اگر شده فرودگاه به فرودگاه می‌روم و در کل عالم می‌چرخم و هدفم را دنبال می‌کنم و حرفم را به کرسی می‌نشانم…» خداوند سبحان برای ملت ایران، شرف، سرفرازی و پیروزی را رقم زده بود و لذا در عین نابوری، فرانسه حضرت امام را پذیرفت و ایشان توانست از قلب اروپا پیام انقلاب اسلامی را به گوش مردم دنیا برسانند. من در دورانی که امام در عراق تشریف داشتند، چند سالی در خدمتشان بودم. در سال ۴۹، به مناسبتی به پاکستان دعوت شدم. پس از آن برگشتم که خانواده را از ایران ببرم که ممنوع‌الخروج شد و تا سال ۷۵، نتوانستم از کشور خارج شوم. زمانی که امام به پاریس تشریف بردند، تصمیم گرفتم خدمت ایشان بروم. ایشان چنان تحولی در دل مردم ایجاد کرده بودند که یکی از افسران عالی‌رتبه در فرودگاه، صورت مرا بوسید و گفت سلام بنده را هم خدمت امام برسانید! من به پاریس رفتم و دیدم حضرت امام چگونه با اقتدار تمام، اسلام و روحانیت و مرجعیت را به دنیا معرفی می‌کردند. مردم سراسر دنیا گروه گروه می‌آمدند و می‌دیدند که یک پیرمرد که قصر و تشریفاتی ندارد، چگونه در مکانی ساده، بر درخت سیبی تکیه زده، اما با عظمت منبعث از ایمانی استوار، همچون کوه در برابر رژیمی تا بن دندان مسلح که تمام قدرت‌های دنیا از او حمایت می‌کردند، ایستاده است. من وقتی به امام نگاه می‌کردم، بی‌اختیار به یاد روایتی از امام صادق(ع) می‌افتادم که فرمودند: «اگر می‌خواهی عزت بدون عشیره و هبیت بدون طایفه و سلطنت داشته باشی، از ذلت معصیت خدا بیرون برو و خود را در عزت طاعت خدا داخل کن.» من می‌دیدم که یکی از مصادیق واقعی این روایت، حضرت امام است و خدای سبحان این عزت را به این مرد بزرگ داده است.

**از گفت‌وگو‌هایی که با امام خمینی داشتید، به مواردی اشاره کنید.**

حضرت امام به من فرمودند: «مالیم با مردم باشیم و هر بلایی که بر سر آنها می‌آید، بر سر من هم بیاید. اگر قرار به کشته شدن است، می‌خواهم که من هم کشته شوم! اگر قرار به دربه‌دری است، می‌خواهم من هم همراه آنها باشم. من در اینجا ناراحتم و می‌خواهم هر چه زودتر به ایران بروم…» برای ایشان، قضیه‌ای از تدفین شهدای ۱۷ شهریور در بهشت‌زهارا تعریف کردم که گریه کردند! مرحوم آقای اشراقی دامادشان از من پرسید کسی نتواند گریه امام را دربیورد، شما به ایشان چه گفتی که این‌طور گریه کردند؟ گفتیم از مصائبی که بر سر مردم آمده و از مادری که کنار چهار قبر نشست بود و گریه می‌کرد، گفتیم و این‌ها به یاد حضرت‌الم‌البین(س) افتادند و گریه کردند. به هر حال امام فرمودند: «باید بیایم و کنار مردم باشم و هر بلایی که بر سر آنها می‌آید، بر سر من هم بیاید…» سرانجام هم به لطف خدا آمدند و آن پیروزی بزرگ حاصل شد. البته نگرهداری از انقلاب، بسیار دشوارتر از نیل به پیروزی اولیه است. تاکنون که با تمام دشواری‌ها، طولت‌ها و خیانتهای دشمنان توانسته‌ایم انقلاب را حفظ کنیم. دشواری‌ها زیادند، اما سرفرازی و سربلندی ملت ما آن دشواری‌ها را آسان خواهد کرد.

**وضعیت کنونی کشور را چگونه می‌بینید و نسبت به آینده چه نگاهی دارید؟**

خدای سبحان به کوری چشم دشمنان، پس از رحلت حضرت امام، برای این ملت، رهبری فرزانه، خداترس، قوی و مقاوم قرار داد. امیدوارم خداوند ایشان را حفظ کند و باقی بدارد و انوار مقدسه نورانیت الهی را هر روز در ایشان بیشتر کند. تمام هم و غم امام این بود که جمهوری اسلامی فقط حرف و لفظ نباشد و قرآن و احکام نورانی آن و معارف اهل‌بیت پیاده شود. البته بعضی از جوانانی که من می‌شناسم، حقیقتاً یکم‌رتبه پایین‌تر از عصمت هستند! جوانی که گناه نکرده و رفته و خون داده و حالا من پشت میزی نشسته و صاحب منصبی شده و وکیل و وزیر و نماینده و… شده‌ام، رواست که از او و بدنه مردم فاصله بگیرم و فراموش کنم که باید به مردمی که مرا به اینجا رسانده‌اند، خدمت کنم؟ باید با رأفت و محبت پیش برویم تا هم انقلاب اسلامی و هم عزت ما حفظ شود. هر چه بیشتر از مردم فاصله بگیریم، بیشتر به انقلاب و به خودمان ضرر زده‌ایم و هر چه بیشتر در تألیف دل‌ها بکوشیم و مهربانی، اتفاق و اتحاد را ترویج کنیم، عزت و خوشبختی‌مان بیشتر می‌شود.

روى سختم بیشتر با مسئولان است، وگرنه مردم که دارند همه مشکلات را تحمل می‌کنند و هر وقت هم که به حضور آنها نیاز است، با دل و جان در صحنه هستند. روى سختم با مسئولان است که مردم از همه چیز خود گذشتند، شما هم رآفتی به این بندگان خدا داشته باشید! این‌طور نباشد که فداکاری، صبر و ایثار، فقط از سوی آنها باشد که «خوشا آن مهربانی هر دو سر بی/ که یک سر مهربانی درسر بی». این‌طور نباشد که مردم را پشت در اتاق‌هایتان معطل کنید و پادتان برود که آنها بودند که شما را به این مناصب رساندند. امیدوارم دادگستری ما هر چه زودتر دادگستری بشود، چون یکی از مهم‌ترین مراکز برای حفظ اسلام و حقوق مسلمین است. امیدواریم که به لطف خدا و همت متصدیان امر، همه امور رو به اسلامی‌تر شدن پیش برود.